

افسانه احدی*

چکیده

برنامه هسته‌ای ایران در سه سال گذشته مورد توجه اغلب کشورهای جهان و نیز نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. به رغم تأکید ایران بر صلح آمیز بودن این برنامه و نیز پی‌گیری اقدامات گوناگون در جهت اعتماد سازی بین‌المللی، اسرائیل و آمریکا فعالیتهای مختلفی را در جهت جلوگیری از دستیابی کشورهای منطقه، از جمله ایران به توانایی هسته‌ای را مهم‌ترین نگرانی این کشور دانسته است، از این رو اصل بازدارندگی عنصر بنیادین در رهنامه امنیتی اسرائیل تلقی می‌شود. از سوی دیگر، اسرائیل ایران را در هر صورت یک رقیب سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند که باید محدود و ضعیف شود. پس، هم‌گام با ایالات متحده، ایران اساساً به عنوان یک تهدید معرفی می‌شود و هرگونه مذاکره با ایرانی‌ها نفی می‌گردد. نکته مهم اینجاست که اسرائیل خود آغازگر مسابقه تسلیحاتی در منطقه بوده است و با درپیش گرفتن اقداماتی، به ویژه فضا سازی رسانه‌ای، قصد محدود نمودن دیگر کشورهای خاورمیانه را دارد.

کلیدواژه‌ها: برنامه هسته‌ای ایران، سیاست امنیتی اسرائیل، مسابقه تسلیحاتی بازدارندگی، سیاست ابهام هسته‌ای، منطقه خاورمیانه

* کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره‌های ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، صص ۱۸۸-۱۷۱.

برنامه هسته‌ای ایران، یکی از موضوعاتی است که در سه سال گذشته مورد توجه خاص کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی قرار گرفته است. هرچند شروع این برنامه به بیش از دو دهه قبل بازمی‌گردد، اخیراً کشورهای غربی و به خصوص آمریکا بر غیرصلح‌آمیز بودن آن تأکید دارند، به ویژه اینکه از بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سیاستهای جهانی بیشتر به مسایل امنیتی گرایش پیدا کرده است. در چنین جوی، توجه خاص جهانی بر گسترش تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی و خطرهای ناشی از آنهاست. در این بین سلاحهای هسته‌ای به خاطر آثار مخرب آن بیشتر اهمیت دارند، به خصوص که سلاحهای مذکور در دست کشورهایایی باشند که نه تنها موافق غرب نیستند، بلکه سیاستهایی بر ضد آن نیز اتخاذ می‌کنند. از طرف دیگر، با ادامه بحران بر سر برنامه هسته‌ای ایران این بحران ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. در این رابطه واکنش کشورهای منطقه خاورمیانه به برنامه هسته‌ای ایران، می‌تواند نکات مهمی را درباره محیط امنیتی ایران در جهت تصمیم‌گیریهای آینده مشخص کند. در بین کشورهای منطقه، به ویژه اسرائیل واکنشهای منفی و تخاصم‌آمیزی را از ابتدای شروع بحران هسته‌ای ایران مطرح کرده است که به نظر می‌رسد هم‌سو با سیاستهای آمریکا در جهت محدود کردن هرچه بیشتر ایران باشد. در واقع برخلاف سایر کشورهای منطقه که واکنشی عموماً مبهم و غیررسمی به برنامه هسته‌ای ایران نشان داده‌اند، مقامهای اسرائیلی آشکاراً برنامه مذکور را تهدیدی علیه امنیت اسرائیل می‌دانند و خواهان متوقف کردن آن به هر شکلی هستند.

به طور کلی، اسرائیل نسبت به وضعیت تسلیحاتی کشورهای همسایه و رقیب خود در منطقه خاورمیانه حساس است و آن را تهدید امنیتی علیه خود تلقی می‌کند. مقامهای اسرائیلی برنامه موشکی ایران را مهم‌ترین تهدید امنیتی علیه خود می‌دانند. در مورد برنامه هسته‌ای ایران نیز نگرش مقامهای این کشور هم‌سو با آمریکا، تسلیحاتی تلقی کردن مقاصد برنامه مذکور است. اسرائیل با این توجیه که ایران برای کسب موازنه با اسرائیل به عنوان مهم‌ترین دارنده سلاحهای هسته‌ای قصد ساخت چنین سلاحهایی را دارد، خواهان توقف برنامه هسته‌ای ایران است و حتی به استفاده از زور برای توقف آن تأکید می‌کند. مسئله

اصلی در این نوشتار این است که، چرا اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران را تهدید امنیتی برای خود تلقی می‌کند؟ در این چارچوب به نظر می‌رسد اسرائیل و ایران همواره یکدیگر را تهدید می‌دانند، بنابراین قدرتمند شدن هر یک به معنای تهدید امنیتی برای دیگری است. دستیابی ایران به فناوری پیشرفته هسته‌ای، برای اسرائیل به منزله برهم خوردن وضعیت کنونی در منطقه است که تهدیدی جدی برای این کشور تلقی می‌شود. از طرف دیگر، اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران را تسلیحاتی می‌داند و تأکید می‌کند ایران در نهایت قصد ساخت سلاحهای هسته‌ای و رسیدن به موازنه قدرت با این کشور را دارد. همچنین به نظر می‌رسد اسرائیل هم‌سو با آمریکا خواهان انزوای ایران و جلوگیری از دستیابی ایران به سطح بالایی از فناوری است. بر این اساس، در این نوشتار ابتدا تنگناهای امنیتی اسرائیل در منطقه خاورمیانه بررسی می‌شود، سپس به برداشتهای اسرائیل از برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و در پی آن واکنش مقامهای اسرائیلی به برنامه مذکور آورده خواهد شد.

تنگناهای امنیتی اسرائیل در منطقه خاورمیانه

مفهوم امنیت در اسرائیل با دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه و حتی جهان تفاوت دارد؛ اسرائیل کشوری است که در جنگ متولد شد و با وجود تلاشهای آمریکا تاکنون نتوانسته با همسایگانش رابطه‌ای عادی داشته باشد. بنابراین امنیت ملی بر تمامی برنامه‌های ملی در این کشور برتری دارد، به گونه‌ای که در هیچ کشوری در جهان چنین وضعیتی وجود ندارد. سیاستهای نظامی - چه در داخل و چه در خارج - اسرائیل حرف اول را می‌زند؛ برای نمونه باید گفت که در بیش از نیمی از حیات اسرائیل سیستمهای وزارت دفاع و نخست‌وزیری را یک نفر به عهده داشته است. از آنجایی که این کشور همواره در فضایی ناآرام به سربرده، اساس سیاستهایش حفظ موجودیت به هر قیمتی است. تجربه تاریخی همچون آتش بس ۱۹۴۹ نشان داد که برتری نظامی اسرائیل نسبت به همسایگانش می‌تواند تنها برگ برنده این کشور باشد، هرچند صلح دائم به وجود نیاورد. مهم‌ترین علت ناامنی اسرائیل از دید تحلیلگران، دیدگاه خصمانه اعراب است. این تحلیلگران معتقدند، دید خصمانه اعراب به این خاطر است

که آنها اسرائیل را رژیمی خارجی و موجودیتش را ساختگی می‌دانند. البته باید گفت عدم پذیرش اسرائیل به عنوان یک کشور در نزد اعراب بیشتر به بحرانهای ارضی و سیاسی میان اعراب و اسرائیل بازمی‌گردد. از طرف دیگر، اسرائیل از نظر ارضی و منابع انسانی بسیار محدودیت دارد و از این منظر آسیب پذیر است. بنابراین، چه جنگهای طولانی و فرسایشی و چه حملات ناگهانی می‌تواند موجودیت آن را تهدید کند. از نظر بین‌المللی نیز اسرائیل از چنان آزادی عملی برخوردار نیست که در صورت حمله به دشمنان خود بتواند توجیهی داشته باشد. بنابراین سیاست امنیتی اش باید بر تقویت برتری نظامی و دفاعی متکی باشد.^۱

سیاست امنیتی اسرائیل در طول حیاتش بر مفهوم بازدارندگی از طریق تهدید به تلافی شدید، جنگهای کوتاه در سرزمینهای عربی، برتری کیفی در تسلیحات و نیروی انسانی، دستیابی به حداکثر خودکفایی در این زمینه و حمایت آمریکا تکیه داشته است. امروزه اسرائیل در پی آن است که مرزهای خود را با انعقاد پیمانهای صلح و تضمینهای امنیتی محکم کند و می‌توان گفت کنترل سرزمین نسبت به دهه‌های قبل برای اسرائیل کمتر اهمیت دارد. اصول امنیتی اسرائیل از زمان پیدایش، مواردی همچون مبارزه با تروریسم، تعیین نتیجه سریع و دقیق جنگ، پرهیز از جنگ از طریق ابزارهای سیاسی، حفظ جایگاه بازدارنده معتبر، پرهیز از بلندپروازیهای سرزمینی، تدافع در سطح راهبردی و عدم باخت در هیچ جنگی را دربرمی‌گیرد. در رهنامه نظامی اسرائیل تأکید شده که اسرائیل کشور کوچکی است و با درگیر شدن در هر جنگی امکان دارد با شمار انبوهی از سربازان مواجه شود. از طرف دیگر، اسرائیل از نظر سرزمینی بسیار محدود است و اکثر نهادهای اصلی آن همواره در نزدیکی مرز و در تیررس توپخانه دشمن قرار می‌گیرد. بنابراین، در صورت شکست در هر جنگی موجودیت اسرائیل با خطر نابودی مواجه می‌شود. در نتیجه از آنجا که اسرائیل همواره تهدید دایمی علیه موجودیتش را حس می‌کند، به توانایی هسته‌ای بازدارنده روی آورده است.^۲

محیط امنیتی اسرائیل باعث شده تا این کشور همواره به دنبال کسب حمایت قدرتهای برتر جهان برای دستیابی به فناوری نظامی و پوشش سیاسی باشد. بر این اساس بود که اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۵۰، توانست با استفاده از تیرگی روابط بین فرانسه و مصر به خاطر

حمایت جمال عبدالناصر از جنبش استقلال طلبانه مردم الجزایر با فرانسه متحد شود. مهم ترین نتیجه این اتحاد دستیابی به فناوری علمی و نظامی به ویژه در زمینه مسایل هسته ای بود. از طرف دیگر، اسرائیل در آن زمان با ایجاد رابطه با کشورهای غیرعرب منطقه همچون ایران و ترکیه درصدد بود تا به اعمال فشار، ارباب و حتی تضعیف کشورهای عربی بپردازد. اسرائیل حتی به اقلیتهای قومی کشورهای عربی نیز کمکهای نظامی می رساند. از دیگر سیاستهای قابل توجه این کشور برای غلبه بر محیط پیچیده امنیتی اش جلب صدها هزار یهودی از سراسر جهان بوده است. این اقدام علاوه بر افزایش جمعیت یهودیان، باعث تقویت و افزایش نیروی انسانی مورد نیاز ارتش نیز می شود. از طریق آموزشهایی که به افراد جذب شده در ارتش داده می شود، از یهودیانی که با سنتها و ساختارهای مختلف وارد اسرائیل شده اند، یک شهروند اسرائیلی ساخته می شود.^۳ به عقیده کارشناسان غربی، صرف نظر از تهدید ناشی از منازعات دیرپای اسرائیل با فلسطینیان، مبارزان جنوب لبنان و کشورهای همسایه و متخاصم منطقه خاورمیانه، وجود سلاحهای کشتار جمعی بزرگ ترین تهدید امنیتی پیش روی اسرائیل است.

در کنار این سلاحها، پیشرفت کشورهای منطقه در سیستمهای موشکی بیشتر باعث نگرانی رهبران اسرائیل می شود؛ چراکه به ویژه کشورهای متخاصم، می توانند با مسلح کردن این موشکها به سلاحهای کشتار جمعی خاک اسرائیل را هدف قرار دهند. این تهدید به خصوص از آن جهت برای اسرائیل قابل لمس است که در جریان جنگ خلیج فارس، عراق این کشور را به کمک سیستمهای موشکی پیشرفته اش هدف قرار داد. از نگاه رهنامه امنیت ملی اسرائیل، دستیابی احتمالی ایران به سلاحهای هسته ای در این چارچوب بزرگ ترین تهدید امنیتی اسرائیل است. در برابر چنین تهدیدی، رهنامه امنیت ملی اسرائیل بر پنج پایه شامل: پی گیری تلاشهای سیاسی و امضای موافقت نامه های صلح برای پیش گیری از جنگ، تلاش برای ایجاد بازدارندگی قابل اطمینان، توسعه سیستم موشک ضد بالستیک آرو، تلاش برای افزایش توانمندی حمله به موشکها و سکوهای پرتاب موشک مستقر در خاک دشمن و دفاع غیرعامل قرار دارد.^۴ در این رابطه اسرائیل به ویژه سیستم موشکی آرو را به عنوان سپر دفاعی

خود تلقی می کند و برخلاف پنهان کاریهایش در زمینه مسایل نظامی و امنیتی، اطلاعات کاملی از این موشکها را در اختیار رسانه ها و سایتهای اینترنتی قرار داده است.^۵

از طرف دیگر، بازدارندگی مهم ترین عنصر رهنامه امنیتی اسرائیل تلقی می شود. این بازدارندگی بر راهبرد منحصر به فرد و مبهم هسته ای و تواناییهای متعارف متکی است. بازدارندگی هسته ای اسرائیل به ویژه بسیار مبهم است. این ابهام از یک دید از فشارهای جهان برای پیوستن اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای می کاهد. ابهام مثبت، بخش بنیادین امنیت اسرائیل تلقی می شود. با این حال و با وجود سانسور شدید درباره برنامه هسته ای، رهبران اسرائیل از نشر برخی اطلاعات در این باره ابراز خشنودی می کنند؛ چراکه نشر این گونه اطلاعات به بازدارندگی مورد نظر اسرائیل کمک می کند و باعث می شود کشورهای عربی و متخاصم به فکر جنگ با اسرائیل نیافتند. از طرف دیگر، وجود قدرت هسته ای مبهم اسرائیل نه تنها باعث می شود کشورهای عربی برای انعقاد پیمان صلح مجاب شوند، بلکه می تواند سطح انتظارات آنها را در گفتگوها پایین بیاورد. بعضی از منابع نیز معتقدند در صورتی که اسرائیل وجود جنگ افزارهای هسته ای اش را تأیید کند، حجم فراوان کمکهای آمریکا به اسرائیل متوقف شود؛ چراکه براساس قوانین آمریکا ارایه هرگونه کمک اقتصادی و نظامی به کشوری که جنگ افزارهای هسته ای دارد، ممنوع است.^۶ یکی دیگر از مسایلی که به سیاست ابهام هسته ای اسرائیل انجامیده است، واکنش کشورهای عربی و همسایه اسرائیل می باشد. تاکنون هیچ منبعی نتوانسته است از میزان پیشرفت اسرائیل در زمینه جنگ افزارهای هسته ای به طور قطعی سخن بگوید. در صورتی که اگر اسرائیل رسماً درباره برنامه هسته ای اش سخنی بگوید، باعث برانگیختن کشورهای عربی و شتاب آنها در دستیابی به سلاحهای هسته ای می شود؛ این وضعیت نه تنها بازدارندگی ایجاد نمی کند بلکه به بی ثباتی دامن خواهد زد.^۷ در زمینه تواناییهای متعارف نیز رهبران اسرائیل همواره سعی کرده اند به آخرین تجهیزات و تسلیحات متعارف مسلح باشند. برخلاف سلاحهای هسته ای، آنها مایلند تا کشورهای منطقه از قدرت و توانایی تسلیحاتی اسرائیل باخبر باشند.

نگرانیهای اسرائیل از گسترش سلاحهای هسته‌ای در خاورمیانه

دستیابی دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه به سلاحهای هسته‌ای، یکی از مهم‌ترین نگرانیهای امنیتی اسرائیل به شمار می‌رود. بر این اساس، اسرائیل با استفاده از توان جاسوسی خود و حتی استفاده از سرویسهای جاسوسی دیگر کشورها، در تلاش است تا مانع از به ثمر رسیدن برنامه‌های کشورهای خاورمیانه در زمینه فناوری هسته‌ای شود. در این رابطه کشورهای خاصی مورد توجه اسرائیل قرار دارند:

لیبی

لیبی یکی از کشورهایی به شمار می‌رود که از نظر توانایی نظامی در سلاحهای متعارف بسیار آسیب‌پذیر است. از دید کشورهای غربی این کشور بسیار تندرو است و به ویژه عملکرد معمر قذافی، رهبر لیبی، به گونه‌ای است که مسلح شدنش به سلاحهای هسته‌ای برای همسایگانش فاجعه تلقی می‌شود. لیبی از اواسط دهه ۱۹۷۰ برچیزی که آن را «بمب اسلامی» می‌نامید، سرمایه‌گذاری کرد. عمده‌ترین کشوری که در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای لیبی را یاری کرد، چین بود. در این زمینه قزافی از مصر الگو گرفت. از طرف دیگر این کشور به پاکستان برای تامین مایحتاج خود نیز متکی بود.^۸

مصر

یکی دیگر از کشورهایی که به دنبال هسته‌ای شدن اسرائیل در صدد کسب سلاحهای هسته‌ای برآمد، مصر بود که همچون پاکستان در برابر هند، نمی‌توانست قبول کند دشمن اصلی‌اش به قدرت هسته‌ای دست یابد. این مسئله برای مصر تنگنای امنیتی محسوب می‌شده است. جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور وقت مصر، وجود سلاحهای هسته‌ای اعلام نشده در اسرائیل را دلیل موجهی برای کسب این گونه سلاحها می‌دانست، به ویژه اینکه این گونه سلاحها می‌توانست تا حد زیادی ناتوانی نظامی مصر را نیز جبران کند. اگرچه به دنبال صلح میان مصر و اسرائیل تا حدی این مسئله کم‌رنگ شد، بیم آن می‌رود با اوج

گرفتن اختلاف‌های دو طرف، یک بار دیگر مسئله هسته‌ای شدن مصر نیز مطرح شود.^۹

سوریه

وضعیت تسلیحات هسته‌ای اسرائیل بر روی دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز اثرگذار بوده است، از جمله سوریه یکی از این کشورهاست. سوریه که هنوز بخشی از خاکش در تصرف اسرائیل است؛ سلاح‌های هسته‌ای در دست این کشور را خطر بزرگی برای خود می‌داند و از دید محافل غربی از جمله کشورهای مظنون برای کسب سلاح‌های کشتار جمعی و به ویژه سلاح‌های هسته‌ای است. مقام‌های سوریه بارها در سخنرانی‌هایشان به اسرائیل هشدار داده‌اند که در صورت حمله اتمی به این کشور قادر به پاسخگویی هستند؛ هرچند احتمال بسیار کمی درباره وجود یک برنامه هسته‌ای سوریه وجود دارد. به نظر می‌رسد اشاره مقام‌های سوریه به موشک‌ها و سلاح‌های شیمیایی است که این کشور در اختیار دارد و می‌توانند به شدت مخرب باشند. به همین دلیل نیز سوریه به رغم فشارهای آمریکا حاضر نشد به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی بپیوندد. با این حال ماهیت سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای دو کشور برابر نیست، بنابراین بازدارندگی برابری نیز وجود ندارد.^{۱۰}

عربستان سعودی

یکی دیگر از کشورهایی که نشان داده مایل است به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، عربستان سعودی است. عربستان کشوری است که از دیرباز مورد حمایت انگلیس و بعد آمریکا قرار گرفته است. چتر حمایتی قدرتهای بزرگ همواره باعث شده که این کشور از نظر امنیتی دچار کمبود نباشد؛ چرا که همواره مورد حمایت نظامی و سیاسی قرار داشته است. حوادث ۱۱ سپتامبر باعث شد تا روابط آمریکا و عربستان رو به تیرگی برود، به گونه‌ای که این کشور را ترغیب کند تا علاوه بر گسترش توان موشکی خود که به کمک چین به آن دست یافته است، به کسب سلاح‌های هسته‌ای نیز توجه نماید. از طرف دیگر، مسئله بحران هسته‌ای ایران نیز این کشور را بسیار نگران کرده است؛ به خصوص که به لحاظ ایدئولوژیک، عربستان سعودی

مخالف یک حکومت شیعی قدرتمند در خلیج فارس است و در صورتی که این حکومت مسلح به سلاحهای هسته‌ای شود، چالش امنیتی بزرگی برای این کشور محسوب می‌شود.^{۱۱}

عربستان به خاطر موقعیت و شرایطی که دارد، مستعد گسترش سلاحهایی با توان بالاست. این کشور ارتش کوچکی در اختیار دارد که آمادگی دفاعی آن بسیار پایین است. حمله عراق به کویت نشان داد که این کشور تا چه اندازه در برابر حملات دشمنان می‌تواند آسیب‌پذیر باشد. به این خاطر عربستان نمی‌تواند تنها با اتکا بر سلاحهای متعارفش به ایجاد بازدارندگی برسد. از طرف دیگر، این کشور برای تامین نیازهای خود به شدت به منابع غربی وابسته است و این وابستگی می‌تواند چالشهای امنیتی برای عربستان ایجاد کند. این کشور از نظر تجهیزات و ادوات جنگی نیز مشکلاتی دارد. از جمله نمی‌تواند در برابر حملات موشکی از خود دفاع کند، به ویژه اگر این موشکها به سلاحهای کشتار جمعی همچون سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک مجهز باشد. عربستان درآمد نفتی بالایی دارد که می‌تواند بدون هیچ نوع وابستگی به تامین نیازهایش در زمینه کسب سلاحهای هسته‌ای بپردازد.^{۱۲} این کشور ایران را همواره بزرگ‌ترین رقیب خود در منطقه قلمداد کرده است. اگر ایران به سلاحهای هسته‌ای مجهز شود، طبیعی است که به عنوان قدرتمندترین کشور در حوزه خلیج فارس قلمداد خواهد شد و با توجه به نفوذی که در جوامع شیعه‌نشین عربستان دارد، از این جهت نیز برای این کشور تهدیدکننده خواهد شد. از طرف دیگر، عربستان به دنبال برطرف کردن چالش امنیتی‌اش با آمریکا است. از مدتها قبل، این کشور برای تامین موشکهای مورد نیازش با چین وارد معامله شده است و برای کسب توانایی تولید سلاحهای هسته‌ای با پاکستان مذاکره می‌کند. بعضی از منابع خبری اعلام کرده بودند که عربستان نقش مهمی در حمایت مالی از برنامه‌های هسته‌ای پاکستان داشته است، با این هدف که در صورت نیاز بتواند سلاح هسته‌ای مورد نیازش را از این کشور تامین نماید؛ همانند رابطه‌ای که آلمان و آمریکا در زمان جنگ سرد داشتند که آمریکا سلاحها و کلاهکهای هسته‌ای تحت کنترلش را در آلمان نگه می‌داشت بدون اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بتواند آلمان را ناقض NPT تلقی نماید؛ با وجودی که در نهایت آلمان مالک ضد موشکهای حمل‌کننده این سلاحها تلقی می‌شد.

با این دید می‌توان گفت که پاکستان نیز ممکن است کلاهکهای هسته‌ای اش را که متناسب با تجهیزات موشکی عربستان طراحی شده در این کشور نگه‌داری کند.^{۱۳} بر این اساس، به نظر می‌رسد خصوصیت‌های ایدئولوژیکی و ارضی در منطقه خاورمیانه باعث تلاش کشورهای این منطقه برای کسب سلاحهای مخرب شده است تا عامل بازدارنده قوی‌تری را به دست آورده باشند. با این حال به نظر نمی‌رسد در صورت وقوع جنگ بین کشورهای منطقه، سلاحهای مخرب کشتار جمعی بین آنها رد و بدل نشود. از طرف دیگر، سلاحهای هسته‌ای اسرائیل به شدت ثبات منطقه خاورمیانه و امنیت ملی کشورهای فاقد آن را به خطر انداخته است؛ هرچند از دید کارشناسان وجود این سلاحها برای اسرائیل تنها حکم اهرم فشاری بر کشورهای عربی را دارد که موجودیت اسرائیل را قبول کنند و به نوعی به نیاز اسرائیل به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بازمی‌گردد.

برداشتهای اسرائیل از برنامه هسته‌ای ایران

یکی دیگر از کشورهایی که در زمینه برنامه‌های هسته‌ای مورد توجه محافل غربی و اسرائیل قرار گرفته، ایران است. برنامه هسته‌ای ایران عملاً از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد که علاوه بر مقاصد صلح‌آمیز مقاصد تسلیحاتی نیز داشت. اگرچه تا زمان وقوع انقلاب برنامه هسته‌ای ایران به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شد، هنوز در حدی نبود که کاربردی برای آن در نظر گرفته شود. وقوع انقلاب و به دنبال آن جنگ هشت ساله با عراق، عملاً باعث قطع این برنامه تا دهه ۱۹۹۰ شد که به دنبال مذاکرات طولانی، روسیه موافقت کرد در زمینه فناوری هسته‌ای با ایران همکاری کند.^{۱۴} مهم‌ترین دلیل ذکر شده توسط مقامهای ایرانی برای پی‌گیری برنامه هسته‌ای، انرژی جایگزین است؛ مسئله‌ای که مورد تردید محافل غربی قرار دارد. اگرچه قبل از انقلاب این توجیه ایران مورد استقبال کشورهای غربی قرار گرفته بود! امروزه بیش از ۹۸ درصد انرژی برق ایران از طریق نفت و گاز تأمین می‌شود و تنها ۲ درصد انرژی مورد نیاز به کمک آبهای روان قابل دسترس است. جمعیت ایران و نیاز به انرژی در حال افزایش است، به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود با دو برابر شدن جمعیت، نیاز به انرژی

برق چهار برابر شود. با این حال، منابع غربی- با این توجیه که ایران زرادخانه هسته‌ای اسرائیل را تهدیدی علیه منافعش می‌داند- تأکید می‌کنند که ایران در نهایت قصد دارد به سلاحهای هسته‌ای مجهز شود. یکی از مهم‌ترین نگرانیهای امنیتی اسرائیل در منطقه ایران است. اگرچه ایران قبل از انقلاب اسلامی یکی از شرکای با اهمیت اسرائیل تلقی می‌شد که به ویژه می‌توانست نقش دوستی بسیار قدرتمند را در خاورمیانه عربی برای اسرائیل بازی کند، اکنون به دشمنی سرسخت تبدیل شده و یکی از اصول مسلم انقلاب اسلامی ایران نابودی اسرائیل به عنوان رژیم غاصب بوده است. این مسئله باعث شده که اسرائیل به پیشرفتهای تسلیحاتی ایران واکنشهای تندی نشان دهد. از جمله این واکنشها می‌توان به ساخت و آزمایش موشک شهاب ۳ اشاره کرد؛ موشکی که می‌تواند خاک اسرائیل را هدف قرار دهد. وجود برنامه‌های شیمیایی و میکروبی ادعا شده توسط آمریکا در ایران نیز خطر بسیار بزرگی برای اسرائیل تلقی می‌شود. با این حال به نظر می‌رسد در طول حیات اسرائیل هیچ خطری به اندازه هسته‌ای شدن ایران تهدیدکننده نبوده است.

وجود یک ایران هسته‌ای که شعارش نابودی اسرائیل است برای رهبران اسرائیل قابل چشم‌پوشی نیست، به ویژه که آمریکا و اسرائیل این کشور را بزرگ‌ترین حامی حزب ا... لبنان می‌دانند؛ گروهی که هدف عمده‌اش مبارزه مسلحانه با اسرائیل است. به خصوص در دوران کنونی که سوریه به دنبال ترور رفیق‌الحریری لبنان را ترک کرده و به نوعی روابطش با لبنان تیره شده، ایران تنها کشوری است که از دید محافل غربی تأمین‌کننده تسلیحاتی و مالی حزب ا... لبنان به شمار می‌رود. برخی از کارشناسان غربی تأکید دارند که ایران بیشترین حمایت‌های مالی و نظامی را از حزب ا... داشته است. به گفته این کارشناسان، ایران به چریک‌های حزب ا... در پایگاههایی در داخل ایران و لبنان آموزش نظامی می‌دهد و علاوه بر این، مقادیر بسیاری از تسلیحات از قبیل موشک‌های کاتیوشا و موشک‌های میان‌بردی که می‌توانند از جنوب لبنان حیفا را هدف قرار دهند، به حزب ا... می‌رساند.^{۱۵} در واقع این نگاه رایج در اسرائیل و آمریکاست که در صورت مسلح شدن ایران به سلاحهای هسته‌ای از طریق گروه‌های اسلامی؛ همچون، حزب ا...، حماس و جهاد اسلامی، امنیت اسرائیل از داخل نیز به

شدت در معرض خطر قرار می گیرد.

واکنشهای اسرائیل به برنامه هسته ای ایران

از زمان ارایه گزارش محمد البرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره پیشرفت فزاینده برنامه هسته ای ایران، یکی از کشورهای که به شدت از این برنامه ابراز نگرانی نموده، اسرائیل است. مقامهای اسرائیلی تاکنون بر توقف هرچه سریع تر برنامه هسته ای ایران به عنوان یک معضل امنیتی در منطقه خاورمیانه تأکید کرده اند و حتی از حمله نظامی برای خاتمه دادن به آن سخن گفته اند.

۱. واکنشهای مقامهای رسمی اسرائیل

به گفته مقامهای اسرائیلی، در هر صورت اسرائیل نمی تواند با یک ایران هسته ای زندگی کند. دستیابی ایران به هر نوع تجهیزات و مواد هسته ای با هر توجیهی برای اسرائیل قابل قبول نیست. با این حال، ایران تأکید دارد که انرژی هسته ای برای تولید برق و دیگر مصارف صلح آمیز حق ایران است. در این باره مقامهای اسرائیلی معتقدند در صورتی که ایران حاضر به پذیرش توافقی بر پایه دریافت سوخت اتمی از خارج و توقف تولید آن در داخل نشود، اقدام نظامی ضروری است. این مقامها در عین حال تأکید می کنند که حملات هوایی به تنهایی کافی نخواهد بود؛ چراکه بسیاری از تأسیسات اتمی ایران در مکانهای مخفی و یا زیرزمینی قرار دارد. از طرف دیگر، برخی از کارشناسان غربی معتقدند هر نوع حمله ای باعث می شود که ایران، حزب ا... و دیگر سازمانهای مورد حمایتش به اسرائیل، نیروهای آمریکایی مستقر در خاک عراق و افغانستان و حتی اتباع آمریکایی و اسرائیلی دیگر کشورها حمله کنند. مقامهای اسرائیلی همچنین معتقدند حمله نظامی باعث تشدید حس ملی گرایی ایران خواهد شد، نه اینکه آن را فرو نشاند. از طرف دیگر، وقوع چنین حمله ای مانع از این می شود که کشورهایی همچون مصر و عربستان در پی کسب تسلیحات هسته ای برآیند؛ چراکه این گونه کشورها برنامه هسته ای ایران را الگوی خود قرار داده اند. البته باید این مسئله را در نظر گرفت

که حمله به ایران بدون مجوز شورای امنیت اقدام تهاجمی تلقی می شود و برای اسرائیل و آمریکا هزینه های سیاسی عظیمی خواهد داشت.^{۱۶} در واقع طرح حمله به تأسیسات اتمی ایران مهم ترین واکنش مقامهای اسرائیلی بوده که از شروع بحران اتمی ایران در اواسط سال ۲۰۰۳ به شدت مورد تأکید این مقامها قرار گرفته است. اسرائیل با سرنگونی صدام، دشمن شماره یک خود در منطقه خاورمیانه را ایران می داند و به همین خاطر بر توقف فوری برنامه های هسته ای ایران تأکید دارد. در این رابطه، اسرائیل به انجام حملات هوایی سنگین به تأسیسات اتمی ایران تمایل نشان داده است. شائول موفاز، وزیر دفاع سابق اسرائیل، بیش از هر مقام دیگری بر انجام این حملات پافشاری می کند. وی تأکید دارد که تحت هیچ شرایطی اسرائیل نمی تواند وجود تسلیحات اتمی را در ایران تحمل کند.^{۱۷}

در این رابطه اسرائیل معتقد است که می تواند به راحتی تأسیسات اتمی ایران را نابود کند؛ از آنجاکه یک بار در گذشته در عراق موفق به انجام چنین کاری شده است. حمله هوایی هواپیماهای اسرائیل در ژوئن ۱۹۸۱ به رآکتور هسته ای اوسیرا در ۳۰ کیلومتری جنوب بغداد منجر به نابودی برنامه هسته ای صدام شد. در آن زمان منابع جاسوسی تأکید داشتند که عراق قادر است تا حداکثر ۲ سال دیگر به سلاحهای هسته ای دست یابد که مهم ترین منبع آن رآکتور اوسیرا خواهد بود. صدام در ساخت این رآکتور از کشورهای ایتالیا و فرانسه کمک می گرفت. برنامه ای که او از اواخر دهه ۱۹۷۰ پی گیری می کرد، تا اوایل دهه ۱۹۸۰ به پیشرفت قابل ملاحظه ای رسیده بود. در آن زمان هم نخست وزیر وقت اسرائیل، مناخیم بگین، تأکید می کرد که دستیابی عراق یا هر کشور عربی دیگر به سلاحهای هسته ای برای اسرائیل قابل تحمل نیست. به این خاطر هواپیماهای اسرائیلی این تأسیسات را بمباران کردند.^{۱۸} حتی با وجود کنار رفتن شارون و روی کار آمدن کابینه ای جدید در اسرائیل، تغییری در لحن تند مقامهای اسرائیلی به وجود نیامده است. به نظر می رسد مسئولین اسرائیلی همچنان بر پی گیری جنگی روانی و ایجاد تنش در منطقه و جهان برای متوقف کردن برنامه هسته ای ایران تأکید دارند. مسئولین اسرائیلی به ویژه در اظهارات خود از امکان دستیابی ایران به سلاحهای هسته ای در آینده ای نزدیک ابراز نگرانی می کنند. از جمله ایهود المرت،

نخست وزیر اسرائیل، در مصاحبه با سی. ان. ان تأکید کرد که فعالیت گسترده ایران در غنی سازی اورانیوم باعث شده است که ایران بتواند تا چند ماه آینده به سلاحهای هسته ای دست یابد، در حالی که دستیابی به سلاحهای هسته ای توسط حکومتی که خواهان حذف اسرائیل از نقشه جهان است برای ما قابل تحمل نیست. وی همچنین با اشاره به حمله اسرائیل به سایت اتمی عراق گفت: «در آن زمان نیز تلاشهای بین المللی برای متوقف کردن صدام مثرتر واقع نشد و ما گزینه دیگری به جز حمله به تأسیسات اتمی عراق نداشتیم».^{۱۹}

۲. واکنشهای محافل غیر رسمی اسرائیل

با وجود تأکید برخی از مقامهای اسرائیلی بر حمله به تأسیسات هسته ای ایران، برخی کارشناسان آمریکایی و حتی اسرائیلی معتقدند که حمله به تأسیسات ایران با حمله اسرائیل به اوسیرا تفاوت دارد. از دید این کارشناسان، مهم ترین تفاوت، مسئله مسافت است. ایران برای حملات هواپیماهای اسرائیلی بسیار دورتر از عراق است و از طرف دیگر بوشهر، نطنز و اراک به عنوان مراکز مورد نظر اسرائیل صدها کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند. حمله هم زمان به این سه هدف از نظر نظامی بسیار مشکل است. یفتا شاپیر یکی از تحلیلگران اسرائیلی تأکید می کند که علاوه بر دوری مسافت، پراکندگی و تعدد تأسیسات هسته ای در ایران، به شدت از آنها حفاظت می شود. از طرف دیگر، بعضی از این تأسیسات در پناهگاههایی در زیرزمین مستقر شده اند. هر نوع حمله هوایی اسرائیل به ایران مستلزم عبور از حریم هوایی ترکیه، عربستان سعودی یا اردن است. در مورد ترکیه باید گفت که این کشور به رغم مشوقهای مالی آمریکا، به این کشور اجازه نداد که از حریم هوایی اش برای حمله به عراق استفاده کند. در واقع برای ترکیه بسیار مشکل است که برای حمله به یک کشور مسلمان با اسرائیل همکاری نماید. عربستان سعودی نیز از نظر داخلی در وضعیتی نیست که اجازه عبور هواپیماهای اسرائیلی را برای حمله به ایران بدهد. حتی اگر اردن هم اجازه دهد تا اسرائیل از حریم هوایی اش استفاده کند، هواپیماهای اسرائیلی باید از فراز عراق عبور کنند که این مسئله به معنای مشارکت مستقیم آمریکا در حمله به ایران است.^{۲۰}

با وجود برخی تحلیلهای محتاطانه مبنی بر عدم امکان حمله به ایران در موقعیت فعلی، بعضی منابع خبری غربی به نقل از مقامها و کارشناسان اسرائیلی بر موفقیت حملات احتمالی اسرائیل تأکید دارند. از جمله واشنگتن پست در تحلیلی به نقل از مقامهای اسرائیلی آورده بود که اسرائیل می تواند در مدت ۸۰ ثانیه از طریق موشکهای هدایت شونده تأسیسات اتمی ایران را منهدم کند. بر طبق ادعای این روزنامه، اسرائیل قصد دارد تا در صورت شکست مذاکرات هسته ای میان ایران و اروپا، قبل از رسیدن سوخت اتمی روسیه به رآکتور اتمی بوشهر آن را با خاک یکسان کند. منابع خبری دیگر همچون هفته نامه ساندی تایمز نیز اعلام کردند که اسرائیل تمرین نظامی خود را برای انجام حمله ای پیش گیرانه به تأسیسات هسته ای بوشهر کامل کرده است. به گفته مقامهای اسرائیلی، چنین حمله ای در صورتی که روسیه میله های سوخت برای غنی سازی اورانیوم را در اختیار ایران قرار دهد، محتمل است. این هفته نامه به نقل از یکی از مقامهای وزارت دفاع اسرائیل تأکید کرد، اسرائیل به هیچ عنوان اجازه نمی دهد که رآکتورهای هسته ای ایران به خصوص نیروگاه اتمی بوشهر به مرحله حساس برسد. ساندی تایمز از طرف دیگر به سندی به نام «آینده راهبردی اسرائیل» اشاره می کند که در آن مقامهای ارشد نظامی اسرائیل از انجام اقدامات نظامی بر ضد ایران حمایت کرده اند. در این سند حتی پیشنهاد شده که نخبگان ایران از جمله دانشمندان هسته ای ایران هدف ترورهای هدفمند قرار بگیرند.^{۲۱} حتی با وجودی که مقامهای آمریکایی و اسرائیلی بیشتر برفشارهای بین المللی بر ایران برای توقف برنامه هسته ای اش توجه دارند، هنوز محافل داخلی و تندروی اسرائیل بر انجام حملات مقطعی علیه ایران تأکید می کنند. از جمله جرولم پست در سرمقاله ای آورده که سایه ایران هسته ای هنوز دولت یهود را تهدید می کند: «درجایی که هیچ امیدی برای موفقیت مذاکرات اروپا و آمریکا نیست، نباید انجام حملات نظامی را نیز کنار گذاشت، درحالی که نابودی بخشی از تأسیسات اتمی ایران نیز احتمال دست یافتن این کشور به سلاحهای هسته ای در آینده نزدیک را از بین می برد.»^{۲۲} این روزنامه حتی پیش بینی می کند حمله احتمالی اسرائیل به ایران، حمله ای برق آسا و درعین حال محدود توسط بمب افکنهای آن باشد.

نتیجه گیری

از زمان آغاز بحران هسته ای ایران از چهار سال قبل تاکنون، این بحران هر روز ابعاد پیچیده تری به خود می گیرد. از طرف دیگر، واکنشهای کشورهای منطقه خاورمیانه که عموماً از این برنامه ابراز نگرانی می کنند نیز باعث شده است برداشتهای منفی از مقاصد برنامه هسته ای ایران هر روز بیشتر شود، که این مسئله خود موجب افزایش فشارهای بین المللی برای پایان دادن به این برنامه شده است. در این مقاله توجه خاصی به واکنش و موضع اسرائیل معطوف گردیده است؛ چرا که این کشور از نظر وضعیت تسلیحاتی اش مهم ترین کشور منطقه خاورمیانه به شمار می رود. از طرف دیگر، اسرائیل مهم ترین و اصلی ترین عامل آغاز مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه است که خود از دید کارشناسان غربی یکی از محرکه های ایران و کشورهای عربی در دستیابی به تسلیحات بیشتر تلقی می شود. از سویی، موضع و واکنشهای اسرائیل درباره برنامه هسته ای ایران به موضع آمریکا نزدیک است و حتی می توان گفت این دو کشور موضع مشترکی دارند. اسرائیل نیز همچون آمریکا خواهان توقف کامل برنامه هسته ای ایران و برجیده شدن تمامی تجهیزات آن است. به گونه ای که مقامهای اسرائیلی اساساً مذاکرات ایران و کشورهای اروپایی را رد می کنند و معتقدند ایران به خاطر نگاه خصمانه اش به اسرائیل در صورت دستیابی به هر پیشرفتی در زمینه فناوری هسته ای، به عامل مهمی در تهدید هرچه بیشتر اسرائیل تبدیل می شود. بنابراین، از دید اسرائیل حتی نظارت کامل آژانس بین المللی انرژی اتمی به برنامه هسته ای ایران و پی گیری مقاصد صلح آمیز قابل قبول نیست؛ چرا که تغییر مسیر این برنامه و اتخاذ اهداف خصمانه برای ایران کار چندان مشکلی نخواهد بود.

محافل غربی در این رابطه به ویژه بر الگوی کره شمالی تأکید دارند و معتقدند که ایران با خریدن زمان در حال پیشرفت در زمینه برنامه هسته ای خود است و در صورتی که به سلاحهای هسته ای دست یابد، از آژانس خارج خواهد شد. در این رابطه موقعیت خاص امنیتی اسرائیل باید مورد توجه قرار گیرد، به خصوص که اسرائیل، ایران را یکی از مهم ترین دشمنان خود تلقی کرده و در برابر کوچک ترین اقدام یا حتی اظهارات مقامهای ایرانی

موضع گیریهای تندی اتخاذ می کند. از طرف دیگر، اسرائیل نفوذ زیادی بر آمریکا و محافل بین المللی دارد و می تواند با استناد به کوچک ترین مسئله ای به فشارهای بین المللی بر ایران بیفزاید. در مسئله برنامه هسته ای ایران نیز اسرائیل با تعریف این برنامه به عنوان یکی از مهم ترین معضله های امنیتی خود، پیشرفتهای هسته ای ایران را به عنوان تهدیدهای امنیتی علیه خود تلقی می کند و با ایجاد جو روانی منفی بر ضد ایران به دنبال محدودتر کردن بیش از پیش ایران است. در چنین فضایی، اسرائیل حتی اظهاراتی همچون «حذف اسرائیل از نقشه جهان» را یکی از مصداقهای خصمانه بودن اهداف برنامه هسته ای ایران علیه اسرائیل می داند؛ در حالی که چنین اظهاراتی در ایران تازگی ندارد و مقامهای اسرائیلی نیز به خوبی از آن آگاهند.

پاورقیها:

۱. مارک هیلر، تداوم و تغییر در سیاست امنیتی اسرائیل، تهران: اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱، صص ۱۹-۱۵.
۲. اسماعیل عبدالهی و مهدی زیبایی، برآورد استراتژیک اسرائیل، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱، صص ۴۴۷-۴۴۴.
۳. مارک هیلر، پیشین، صص ۲۶-۲۴.
۴. بیفتاح اس. شاپیر، «راه حل‌های نامتعارف برای معماهای نامتعارف (دکترین امنیتی اسرائیل در قرن بیست و یکم)»، ترجمه احمدی رشیدی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲.
۵. برای مثال به این سایت مراجعه کنید:
http://www.israeli-weapons.com/weapons/missile_systems/surface_missiles/arrow/Arrow.html
۶. «قدرت هسته‌ای اسرائیل و سیاست ابهام مثبت»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۲، نیمه اول اردیبهشت ۱۳۸۳.
7. Steven L. Spiegel, et al, *The Dynamics of Middle East Nuclear Proliferation*, Ontario: The Edwin Mellen Press, 2001, p. 204.
8. Anthony H. Cordesman, *Weapons of Mass Destruction in the Middle East*, London: Brasseys Ltd., 1991, pp. 150-52.
9. Steven L. Spiegel, Jennifer D. Kibbe, op.cit., p. 46.
10. Ibid, pp. 296-298.
11. Steven R. McDowell, *Is Saudi Arabia a Nuclear Threat?* September 2003, Accessed on 5 March 2005, <http://www.ccc.nps.navy.mil/research/theses/McDowell03.pdf>.
12. Anthony H. Cordesman, op.cit., pp. 113, 116.
13. Patrick Clawson, *Nuclear Proliferation in the Middle East: Who is Next after Iran?* April 2003, Accessed on 24 April 2005, <http://www.npec-web.org/projects/clawson.pdf>
14. Anthony H. Cordesman, *Iran's Search for Weapons of Mass Destruction*, August 7, 2003, pp. 48-49, Accessed on 15 December 2004, http://www.csis.org/burke/irans_search_wmd.pdf
15. Geoffrey Kemp, *Iran's Bomb and What to Do About It, Iran's Bomb: American and Iranian Perspectives*, The Nixon Center, March 2004, Accessed on 5 March, 2005, <http://www.nixoncenter.org/publications/monographs/IransBomb.pdf>
16. George Perkovich, *Dealing With Iran's Nuclear Challenge*, April 28, 2003, Accessed on 1 May 2004, <http://www.ceip.org/files/projects/npp/pdf/Iran/iraniannuclearchallenge.pdf>
17. Threatens Strikes on Iranian Nuclear Targets, NN in Jerusalem, Sunday, November 23, 2003, Accessed on 20 April 2004, <http://news.scotsman.com/international.cfm?id=1292472003>
18. *Israel's Osirak Attack*, Accessed on 5 May 2005, <http://www.fas.org/spp/starwars/program/docs/41osi.html>
19. *CNN Interview with PM Ehud Olmert*, 21 May 2006, Accessed on 27 July 2006, <http://www.mfa.gov.il/MFA/Government/Speeches+by+Israeli+leaders/2006/NN+interview+with+PM+Ehud+Olmert+21-May-2006.htm>
20. Sammy Salama and Karen Ruster, *A Preemptive Attack on Iran's Nuclear Facilities: Possible Consequences*, August 12, 2004, Accessed on 17 May 2005, <http://cns.miis.edu/pubs/week/040812.htm>
۲۱. اسرائیل و حمله به تاسیسات اتمی ایران، کتابخانه دیجیتالی دید، رک:
<http://did.ir/document/index.fa.asp?cn=nw00020040107482709>
22. Efraim Inbar, "Three Ways to Stop Iran," *The Jerusalem Post*, March 31, 2005, Accessed on 5 May 2005, http://www.biu.ac.il/SOC/besa/efraim_inbar/oped310305.doc; Steven L. Spiegel, Jennifer D. Kibbe, op.cit., p. 204.